

مبارزه اسلامی در  
افغانستان سابقه  
پنجاه و سه ساله  
دارد، مبارزه‌ای که با  
دوا بر قدرت اتحاد  
جماهير شوروی  
و ناتو در رأسش  
امریکا تصادم کرده  
است.

**از آن دوازده نفر، چند نفر هنوز همراه شما هستند؟**  
یازده نفر شهید شدند، فقط من از این سعادت محروم ماندم.

**در این مسیر پنجاه ساله یا در همان دوران؟**  
بیشترشان توسط سردار داوود.

**در زندان کمونیست‌ها؟**  
بله. در حدود سیصد نفر بعد از کودتای سردار داوود دستگیر شدند و اکثریت  
اینها هم به شهادت رسیدند.

**شما هم دستگیر شدید؟**  
نه، من مورد تعقیب بودم و اعدام غیابی برایم صادر و عکس‌هایم در همه  
افغانستان پخش شده بود، ولی الحمدلله بعد از سه سال ما بر دانشگاه مسلط  
شدیم. بار آخری در انتخابات محصلان، ما از پنجاه و شش کرسی، دوثلاث (سی  
و هفت) کرسی‌ها را به دست آوردیم. در این زمان من در زندان بودم. تفسیر و حفظ  
را هم در زندان آغاز کردم، زندان برای من یک مدرسه بود.

**چگونه فضای دانشگاه صنعتی برای شما به زندان با تحصیل  
علوم دینی و معنوی تبدیل شد؟**  
یک درگیری بین ما و گروه‌های چپی رخ داد که در این درگیری آنها شکست  
خوردند.

**درگیری مسلحانه و فیزیکی؟**  
درگیری غیرمسلحانه و بین محصلین در خوابگاه دانشگاه. تهاجم و تعرض هم  
از سوی آنها بود و به دنبال آن یک درگیری دیگری هم بین ما و شعله جاوید رخ  
داد. در این نوبت هم آنها تعرض کردند، ما شکست خوردیم و در نتیجه من به  
زندان رفتم. یک و نیم سال را در زندان سپری کردم. در زمان داوود رها شدم ولی  
متهم به کودتا علیه رژیم متصل تحت تعقیب قرار گرفتم.

**زندان هم نتوانست این جریان و طوفان شما را متوقف کند.**  
نه تنها نتوانست متوقف کند بلکه نقش خیلی مهمی هم در مبارزه ما داشت؛  
بلکه به دلیل رفتن ما به زندان جوانان بیشتری به حرکت پیوستند، چراکه هیچ  
کمونیست و فعال سیاسی دیگری در زندان نبود، جز اعضای حرکت جوانان  
مسلمان. خودش به این حرکت اعتبار داد و باعث شد در ظرف سه سال نه تنها  
بر دانشگاه مسلط شدیم، بلکه تقریباً بر همه مؤسسات علمی کشور، از جمله